

چهارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه*

محمدعلی مختاری اردکانی

در این مقاله برآنیم تا روش پیشنهادی گارسس (Garces: ۱۹۹۴) برای ارزیابی ترجمه را به مثابه روشی عینی برای نقد ترجمه بخصوص ترجمه ادبی معرفی کنیم. در تبیین این روش مثالهایی از زبان فارسی و آرای از دیگر صاحب نظران بخصوص نیومارک نقل خواهیم کرد.

گارسس برای مقایسه شباهتهای میان متن مبدأ و ترجمه چهار سطح پیشنهاد می‌کند که این سطوح به گفته او گاه با هم تداخل پیدا می‌کنند. این سطوح عبارتند از: سطح معنایی - لغوی؛ سطح نحوی - صرفی؛ سطح گفتمانی - نقشی و سطح سبکی - مقصود شناختی. اینک به ذکر اجزاء این سطوح و شرح و تعریف آنها می‌پردازیم.

۱- سطح معنایی - لغوی

الف- تعریف یا توضیح: تعریف، بیان معنی واژه است به صورت عبارت اسمی یا شبه جمله صفتی (نیومارک: ۱۹۸۱: ۳۱) توضیح، افزودن اطلاعاتی است که به دلیل اختلافات فرهنگی و زبانی و اختلاف در سطح دانش بین مخاطب متن اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند: (گارسس ۱۹۹۴: ۸۱-۸۰)

مثالی از تعریف: machete = چاقوی بلند و سنگین با تیغه پهن در آمریکای لاتین
مثالی از توضیح: on the edge of the western wilderness = در حاشیه بیابان غرب (غرب وحشی آمریکا)

ب- معادل فرهنگی: در این روش واژه فرهنگی زبان مبدأ جایگزین واژه‌ای می‌شود که نقش فرهنگی یا کارکردی مشابهی در زبان مقصد دارد، مثل A-level که معادل کارکردی آن در فارسی دیپلم است. همچنین واژه‌های فرهنگی "sejm" در لهستان، "دوما" در روسیه، "مجلس عوام" در انگلستان و "مجلس شورای اسلامی" در ایران همگی دارای نقش کارکردی مشابهی هستند. در روش فوق، از واژه زبان مبدأ معمولاً فرهنگ‌زدایی می‌شود. معادل کارکردی گاه چیزی بر واژه اصلی می‌افزاید (overtranslation) یا از آن می‌کاهد (undertranslation).

ج- همانندسازی (adaptation): این نیز روشی برای ترجمه اصطلاحات بنیادی فرهنگی است و

آن هنگامی به کار می‌رود که مترجم مضمونی را با کلمه، اصطلاح یا استعاره خاصی که برای خواننده ترجمه آشناست ترجمه می‌کند. همانندسازی در واقع نوعی معادل‌سازی فرهنگی است که در (ب) بحث شد زیرا در برابر واژه فرهنگی معادلی قرار می‌دهیم که در موقعیت مشابه در زبان مقصد به کار می‌رود و واژه‌ای متداول است. مثال:

Faithfully yours با تقدیم احترام

See you later خداحافظ

د- بسط نحوی: این روش عبارت است از افزودن یک یا چند کلمه به ترجمه بر حسب ضرورت. مثل ترجمه جمله "جهت یابی آش خوب است" به انگلیسی: He has a good sense of direction که در اینجا کلمه sense به ترجمه اضافه شده است. معمولاً در ترجمه از انگلیسی از این شیوه استفاده می‌شود یعنی مفهومی که در انگلیسی به تلویح بیان شده در ترجمه تصریح می‌شود (گارسس ۱۹۹۴: ۸۱).

ه- قبض نحوی: عکس شیوه فوق است که نظریه پردازان ترجمه هر کدام آن را اصطلاحی داده‌اند، مثل multiple-to-one equivalent (ناید) یا contraction (نیومارک) و آن به کار بردن یک واژه زبان مقصد است در برابر چند واژه زبان مبدأ مثل linguistique و linguistic science که در برابر دو کلمه فرانسه یک کلمه انگلیسی آمده است (نیومارک ۱۹۸۸: ۹۰).

و- کاربرد واژه خاص به جای واژه عام یا بالعکس: مثل ترجمه synechdoche که یک نوع مجاز (مرسل) است به مجاز به معنی عام (metonymy) یا ترجمه spoiled child به 'دردانه حسن کبایی'، این شیوه معمولاً در مورد اقلام بزرگتر از واژه به کار می‌رود اما در مورد واژه هم کاربرد دارد (گارسس ۱۹۹۴: ۸۱).

ز- ابهام: گاهی متن اصلی ابهام دارد. ابهام ممکن است عمدی باشد یا سهوی. اگر عمدی باشد باید آن را به زبان مقصد انتقال داد. اگر سهوی باشد باید آن را برطرف کرد (نیومارک ۱۹۸۸: ۷-۲۰۶). نیومارک هفت نوع ابهام برمی‌شمارد و برای هر کدام راه‌حلهایی ارائه می‌دهد (نیومارک ۱۹۸۸: ۲۰-۲۱۸).

۲- سطح نحوی - صرفی

الف- ترجمه تحت‌اللفظی: نیومارک ترجمه تحت‌اللفظی واژه به واژه، عبارت به عبارت همانند، ترکیب به ترکیب همانند، شبه جمله به شبه جمله، جمله به جمله، حتی استعاره به استعاره و ضرب‌المثل به ضرب‌المثل را ممکن و مطلوب می‌داند (نیومارک ۱۹۸۸: ۶۹) هرچند که معتقد است وقتی این شیوه از حدّ واژه فراتر رود رفته‌رفته کار مشکلتر می‌شود. نیومارک بین ترجمه تحت‌اللفظی (word-for-word) و ترجمه یک به یک (one-to-one) تمایز قایل می‌شود: شیوه اول، نحو، ترتیب واژگان و معنی اصلی واژه زبان مبدأ را انتقال می‌دهد و معمولاً در مورد جملات کوتاه، خنثی و ساده کاربرد دارد. در شیوه دوم هر لغت زبان مبدأ، واژه مشابهی در زبان مقصد دارد اما معنی اصلی آنها متفاوت است (گارسس ۱۹۴۴: ۸۲). ترجمه یک به یک یکی از دو نوع ترجمه تحت‌اللفظی است و از

اولی متداول تر می باشد.

- ب- ترجمه از طریق تغییر نحو: گاهی مترجم ناگزیر است اجزاء کلام را تغییر دهد. مثال:
- ۱- Anthropology believes that... = مردم شناسان معتقدند که (یا به زعم مردم شناسان)
- ۲- He was a repulsibly dirty man. = آدم تهوع آور کثیفی بود.
- ۳- According to my friend... = دوستم می گوید...
- ۴- He groped for his eye-glasses. = کورمال کورمال دنبال عینکش گشت.
- اصولاً وقتی ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستورگردانی (transposition) انجام می گیرد که (۱) ساختار دستوری مشابه در زبان مقصد وجود نداشته باشد (۲) ترجمه تحت اللفظی امکان پذیر باشد اما طبیعی جلوه نکند (۳) خلأ واژگانی موجود، با تغییر نحو جبران پذیر باشد.
- آنچه در این شیوه نباید از نظر دور داشت اینست که تغییر نحو نباید تأکید موجود در جمله را از بین ببرد (نیومارک ۱۹۸۸: ۸۸-۸۵). مهمترین تغییرات نحوی از انگلیسی به فارسی عبارتند از:

Mistakes are made = اشتباه پیش می آید	اسم جمع به اسم مفرد:
White house = کاخ سفید	تغییر جای صفت:
Iranian Government = دولت ایران	تغییر اسم به صفت:
The man = مرد	تغییر عبارت اسمی به اسم:
a repulsively dirty man = آدم تهوع آور و کثیف	تغییر قید به صفت:
According to the Quran = قرآن می فرماید	تغییر اسم + حرف اضافه به اسم + فعل:
after = بعد از	تغییر حرف اضافه به گروه حرف اضافه:
hoarsely = با صدای خشن	تغییر قید به گروه قیدی:
	تغییر اسم + مصدر به اسم + صفت:
a night to remember = شب به یادماندنی یا فراموش ناشدنی	
sea food = غذای دریایی	تغییر اسم + اسم به اسم + صفت:
visit = بازدید به عمل آوردن	تغییر فعل به عبارت فعلی:
give birth to = زاییدن	تغییر عبارت فعلی به فعل:
	تغییر اسم + حرف اضافه + اسم به اسم + جمله وار و وصفی:
the book on the table = کتابی که روی میز است	
	تبدیل جمله وار و وجه وصفی (معلوم یا مجهول) به جمله وار و قیدی:
Having finished his work, he went home = چون کارش را تمام کرده بود به خانه رفت	
	تبدیل گروه قیدی به جمله وار و قیدی:
On coming into the room, I saw my friend = وقتی وارد اتاق شدم دوستم را دیدم	
the exported goods = کالاهای صادراتی	تبدیل اسم مفعول + اسم به اسم + صفت:

تبدیل قید + اسم مفعول به جمله‌واره وصفی:

This much-praised man = این آدمی که این همه از او تعریف می‌کردند

a good-hearted lady = خانمی خوش‌قلب = تبدیل صفت + اسم + ed به اسم + صفت:

تبدیل صفت ملکی + اسم به حرف تعریف + اسم:

He had sustained his spites = کینه‌ها در دل پرورانده بود

تبدیل مصدر فعلی به فعل + اسم:

Working with you is a pleasure = کار با شما لذتبخش است

تبدیل مصدر فعلی به جمله‌واره قیدی:

Working with you is a pleasure = وقتی با شما کار می‌کنم لذتبخش است

تبدیل مصدر فعلی به اسم مصدر:

Working with you is a pleasure = کار کردن با شما لذتبخش است

(هر سه مثال از نیومارک ۱۹۸۸: ۸۵)

pleasure = لذتبخش

تبدیل فعل + اسم به فعل + صفت:

(در هر سه مثال آخر)

He did not delay = زود دست به کار شد

تبدیل فعل به قید:

تبدیل اسم + حرف اضافه + اسم به اسم + صفت:

a question of importance = مسأله مهم

تبدیل جمله مرکب به جمله همپایه یا دو جمله ساده:

Although he is pleasant, his wife is arrogant

خودش آدم خوش‌مشربی است اما زنش خودخواه است

تبدیل جمله همپایه یا دو جمله ساده به جمله مرکب:

He is very pleasant but his wife is arrogant

گرچه خودش آدم خوش‌مشربی است اما زنش خودخواه است. (نیومارک ۱۹۸۸: ۸۷)

دو مورد آخر از محدوده نحو و واژگان فراتر می‌روند و وارد حیطه سبک می‌شوند. غیر از موارد فوق ممکن است مواردی وجود داشته باشد که از قلم افتاده باشد یا خاص زبانهای دیگر باشد یا بعداً کشف شود. همچنین ممکن است برای ترجمه موارد فوق از روش‌های دیگر استفاده کرد. باید در نظر داشت که در ترجمه از فارسی به انگلیسی، عکس روش‌های فوق نیز صادق است و نکته آخر اینکه بیشتر مترجمان این کار را به صورت شتی و حتی انجام می‌دهند.

ج- ترجمه از طریق تغییر دیدگاه (modulation): این اصطلاح از وینه (Vinay) و داربلنه (Darblenet) است و به روشی اطلاق می‌شود که در آن مفهومی در زبان مقصد به بیانی دیگر در زبان هدف بیان می‌شود. این تغییر بیان در نتیجه تغییر در دیدگاه یا طرز تلقی نسبت به مفهومی واحد در دو

زبان می‌باشد (نیومارک ۱۹۸۸: ۸۸). به این ترتیب این روش در مواردی کاربرد دارد که "زبان مقصد، ترجمه تحت‌اللفظی را بر نمی‌تابد" (همان‌جا) مواردی از تغییر دیدگاه را می‌توان در فرهنگ‌های دوزبانه یافت، مثل water-tower (منبع هوایی). این موارد در زبان مقصد تداول یافته و به واژگان معیار تبدیل شده‌اند. وینه و دارلته و واژه‌ایورا بیش از ده مورد تغییر دیدگاه را برمی‌شمارند. از جمله این موارد عبارت است از بیان اسم ذات به جای اسم معنی، بیان وسیله به جای نتیجه، بیان از طریق یک حس به جای حس دیگر، بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارت دو بار منفی به عبارت مثبت و برعکس. نیومارک معتقد است که اصولاً عبارت دوبار منفی تأثیر عبارت مثبت را ندارد و فی‌الواقع تأثیر آن به لحن و زمینه وابسته است. وقتی خلأ واژگانی وجود داشته باشد، تغییر دیدگاه الزامی است. مثل: shallow = کم عمق. جایی که مترجم بین کاربرد یا عدم کاربرد این روش مخیر باشد باید صرفاً در مواردی بدان دست زند که در غیر این صورت ترجمه را غیر طبیعی می‌نماید. It will not seem unlikely that را می‌توان ترجمه کرد: "نامحتمل نیست که" یا "احتمال دارد که"، در صورتی که Let it be known that را طبیعی تر است که "پوشیده نماند که" ترجمه کنیم. به مثالهایی از تغییر دیدگاه توجه کنید:

بیان اسم معنی به جای اسم ذات: در هوای باز (آزاد) خوابیدن = to sleep in the open
 بیان اسم ذات به جای اسم معنی: اگر جای تو بودم = If I were in your shoes
 بیان معلول به جای علت: مدتی است شما را ندیده‌ام = You are quite a stranger
 (یعنی به علت ندیدن بیگانه شده‌ای. آن‌را با اصطلاح "پارسال دوست امسال آشنا" هم می‌توان ترجمه کرد)

بیان یک جزء به جای جزء دیگر:

کتاب را صفحه به صفحه خواند = He read the book from cover to cover
 بیان نتیجه به جای وسیله: رفتم سلمانی = I had my hair cut
 بیان وسیله به جای نتیجه:
 خوش‌دوخت‌ترین کت و شلوارها را می‌پوشد = His suits come from the best scissors
 بیان مکان به جای زمان:

Here, we digress to define the term

اکنون به صورت معترضه به تعریف اصطلاح می‌پردازیم.
 بیان زمان به جای مکان:

در اینجا، متعرض این موضوع نمی‌شویم = Now, it does not concern us
 بیان حسی جای حسی دیگر:

We shall hear much more about it in a later chapter

در فصل دیگری، بحث مبسوطی راجع به آن خواهیم کرد

بیان با ترتیبی دیگر:

It took place under his very nose = این کار بیخ گوشش اتفاق افتاد

Law and order = نظم و قانون

health insurance = بیمه بیماری

old and new = نو و کهنه

They were examined = بیان مجهول به جای معلوم: آنها را آزمایش کردند

شیوه اخیر تحت ب هم آمده بود. البته موارد دیگری از تغییر دیدگاه وجود دارد، مثل علائق گوناگون مجاز-کل به جزء، جزء به کل، حال به محل، ظرف به مظروف، خصوص به عموم، عموم به خصوص، مستبب به سبب، کان و مایکون، لازم و ملزوم و... که برای پرهیز از درازگویی از ذکر آنها در می‌گذریم.

د- جبران (Compensation): جبران وقتی صورت می‌گیرد که معنی، تأثیر آوایی، استعاره یا مقصودگوینده که در بخشی از جمله از دست رفته، در بخش دیگر جمله یا در جمله بعد به طریقی دیگر بیان یا جبران می‌شود (نیومارک ۹۰:۱۹۸۸).

ه- توضیح یا بسط معنی: بنابراین روش قسمتی از متن که باید در ترجمه تصریح شود توضیح یا بسط معنایی می‌یابد. بسط معنایی بخصوص در ترجمه لغاتی که خاص یک فرهنگ هستند روشی متداول بحساب می‌آید. وقتی در فرهنگی برحسب ضرورت به موضوعی خاص توجه پیدا می‌شود 'وفور وازگان' پیدا می‌شود. مثلاً انگلیسی‌ها لغات زیادی در مورد چوگان دارند، فرانسوی‌ها درباره مشروب و پنیر، آلمانیها در مورد سوسیس، اسپانیایی‌ها راجع به گاوپازی، عربها در خصوص شتر، اسکیموها در مورد برف و... (نیومارک ۹۴:۱۹۸۸). در ترجمه این لغات به زبانهای که فاقد این لغات هستند بسط معنایی ضرورت پیدا می‌کند. گاهی بسط با افزودن نام مشخص کننده نوع صورت می‌گیرد. مثل camembert، پنیر کمانبر.

و- تلویح، تقلیل، حذف (implication, reduction, omission): این روش عکس روش فوق است. در اینجا عناصری که در متن اصلی تصریح شده‌اند در ترجمه به تلویح بیان می‌شوند یا تقلیل می‌یابند یا به طور کلی حذف می‌شوند (گارسس ۱۹۹۴:۱۴۹). نیومارک می‌نویسد مترجم باید در قبال هر کلمه‌ای که از متن اصلی حذف می‌کند پاسخگو باشد (نیومارک ۱۹۸۱:۱۴۹) اما می‌تواند در ترجمه متون غیررسمی، و متونی که هدفش اطلاع‌رسانی است و یا متون کم‌مایه، حشویات را حذف کند یا تقلیل دهد.

ز- تفسیر در نوع جمله: گاهی به ضرورت یا به اشتباه نوع جمله عوض می‌شود مثلاً جمله ساده به مختلط یا مرکب یا بالعکس ترجمه می‌شود یا گاهی وجه (mood) جمله عوض می‌شود. در مورد ضرورت تبدیل جمله مختلط به مرکب یا ساده و بالعکس قبلاً صحبت کردیم. در خصوص تغییر وجه کلمه دو مثال در اینجا می‌آوریم: ...Do that and I'll... (اگر این کار را بکنی من...) که وجه امری به

وجه التزامی بدل شده است یا. All papers will be on my desk tomorrow. (تمام مقالات فردا باید روی میز من باشد) که در اینجا وجه اخباری کار وجه امری را می‌کند (نایدا)

۳- سطح گفتمانی - کارکردی

الف - حذف مقصود نویسنده: گاه ممکن است در ترجمه چنان تغییری حاصل شود که مقصود نویسنده تغییر کند، مثلاً متنی طنزآمیز به متنی سرگرم کننده تبدیل شود، مثل سفرهای گالیور که در اصل به قصد به مسخره گرفتن نظام سیاسی انگلستان نوشته شده است، در برخی ترجمه‌ها به صورت قصه‌ای برای کودکان درآمده است. از جمله مواردی که مقصود نویسنده را تغییر می‌دهد، تغییر کارگفت‌های (speech at) متن اصلی است. تشخیص کارگفت‌ها در درون یک زبان کاری مشکل است چه برسد به بین زبانها. مثلاً چنین جمله‌ای را بارها از زبان دیگران شنیده‌ایم. این حرفی که می‌زنی تهدید است یا قول؟ کارگفت‌های غیرمستقیمی داریم که تشخیص آنها از این هم مشکل تر است. مثلاً در مورد وارونه‌گویی (irony) مقصود ما عکس آنچیزی است که می‌گوییم. مثال: "چه به موقع آمدید" که منظور این است که "آن قدر دیر کرده‌اید که کار از کار گذشته است" یا در سؤالات غیرمستقیم مثل: Can you tell me the time?

What time is it?

که مساویست با

(بل ۱۹۹۱: ۸۳-۱۷۲)

ب - حذف حواشی: عبارتست از حذف پانوشته‌ها، پیشگفتار، ضمایم، مقدمه، مؤخره، توضیحات، کتاب‌شناسی، استدراکات، فهرست، اعلام و... که در ترجمه از زبانهای دیگر به فارسی بسیار رایج است.

ج - تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی: نیومارک دوازده روش را بر حسب مورد برای ترجمه موارد مختلف فرهنگی پیشنهاد می‌کند. برخی از مهمترین این روش‌ها عبارتند از:

۱- انتقال واژه فرهنگی به ترجمه

۲- استفاده از معادل فرهنگی

۳- زدودن بار فرهنگی واژه، یعنی استفاده از معادلی توصیفی

۴- ترجمه تحت‌اللفظی

۵- بومی کردن واژه فرهنگی

۶- حذف

۷- استفاده از واژه‌ای پذیرفته شده و معیار

۸- توضیح دادن، تحشیه زدن و غیره.

۹- استفاده از اسمی که میانگرنوع است. مثل: Treblinka بازداشتگاه ترپلینکا.

د- تغییر لحن: حفظ لحن یکی از ارکان ترجمه ارتباطی است که با حفظ زمان (tense) وجه

(mood) بنا (voice) و ازگان (lexis) و نحو (grammar) صورت می‌گیرد.

۸- تغییر ساخت درونی متن مبدأ

و- تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای: یعنی کاستن از اصطلاحات محاوره که قبلاً به آن اشاره کردیم.

۴- سطح سبکی - مقصود شناختی

الف- بسط خلاقه: یا تغییرات ظریف و زیبایی که مترجم مطابق ذوق و پسند خود به وجود می‌آورد. مترجم ممکن است سبکی را برگزیند که "برای او طبیعی تر است یا میل او را اکتان می‌کند." (گارسس ۱۹۹۴: ۸)

ب- اشتباه مترجم: که ناشی از بدفهمی یا بی‌اطلاعی مترجم از زبان مبدأ و مقصد یا موضوع ترجمه است. همان‌طور که ماک‌گوایر خاطر نشان کرده است "چون زبان بیانگر فرهنگ است مترجم باید دو فرهنگ باشد نه دو زبانه" (گارسس ۱۹۹۴: ۸۳).

ج- حفظ اسامی خاص با معادل در متن مقصد: اسم خاص را گاه باید ترجمه کرد، گاه مستقیماً به ترجمه انتقال داد و در مواردی باید آن را با توضیح همراه کرد (برای بحث مسبوط در این زمینه رجوع کنید به مختاری: ۱۳۷۰).

د- حفظ ساختارهای زبان مبدأ: اغلب مترجمان کم تجربه مرعوب نحو زبان مبدأ می‌شوند و آن را در

زبان مقصد منعکس می‌نمایند.

ه- کاربرد اصطلاحات نامناسب در متن مقصد: هر اصطلاح پنج جنبه مختلف معنایی دارد:

۱- معنای مجازی ۲- معنای تحت‌اللفظی ۳- ویژگی‌های عاطفی ۴- خصوصیات سبکی و ۵- رنگ و بوی ملی و قومی که هر یک در انتخاب معادل مناسب قیودی را بر مترجم تحمیل می‌نمایند (تجلی ۱۳۶۸: ۱۰۵).

۱- ترجمه اصطلاح به اصطلاح با حفظ هر پنج جنبه معنایی

("a wolf in a sheep's clothing" در لباس میش)

۲- ترجمه اصطلاح به اصطلاح با قربانی کردن یک یا چند جنبه معنایی آن

("Make hay while the sun shines" تا تنور گرم است خمیر را بچسبان)

۳- ترجمه تحت‌اللفظی اصطلاح

People who live in glass houses should not throw stones

کسی که در خانه شیشه‌ای زندگی می‌کند سنگ پرتاب نمی‌کند.

۴- ترجمه اصطلاح به غیراصطلاح

To dine with Duke Humphrey

گرسته ماندن به خاطر وجود تشریفات

(تجلی ۱۳۶۸: ۱۰۷-۱۰۶).

و- بسط دادن در برابر ساده کردن: این روش "آخرین چاره مترجم است". (گارسس ۱۹۹۴: ۸۳). توری به این روش "نقل به معنی" یا paraphrase می‌گوید و خاطر نشان می‌کند که همیشه مرز میان این روش (که شامل بسط قابل ملاحظه متن اصلی می‌شود) و افزایش به طور کلی مشخص نیست.

ه- تغییر در کاربرد صنایع بدیعی با توجه خاص به استعاره: مترجم باید تشخیص دهد که چه تعداد استعاره را نگاه دارد چه تعداد را حذف نماید و چه تعداد را تغییر دهد. برای بحثی مبسوط ترجوع کنید به مقاله‌ای به همین قلم تحت عنوان "ترجمه استعاره".

روش‌های فوق را می‌توان از دیدگاه دیگر به سه گروه عمده تقسیم کرد: افزایش، حفظ، تصرف. در حیطه افزایش، تکنیک‌هایی که به بسط اطلاعات داده شده در متن مبدأ می‌پردازند عبارتند از: تعریف، بسط، دستورگردانی، تغییر دیدگاه، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی - فرهنگی، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ، بسط خلاقه و تفصیل. تکنیک‌هایی که در حوزه حفظ اطلاعات می‌گنجد عبارتند از: معادل فرهنگی، همانندسازی، ابهام، ترجمه قرضی، ترجمه تحت‌اللفظی، جبران، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص و ساختارهای خاص متن مبدأ. تکنیک‌هایی که تصرف را در بر می‌گیرند عبارتند از کاهش، حذف، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، اشتباه یا ساده‌انگاری مترجم (گارسس ۱۹۴۴: ۸۵).

ما در این گفتار با ذکر مثال‌های متعدد روش پیشنهادی گارسس برای ارزیابی ترجمه ادبی را تشریح کردیم. این روش‌شناسی، الگوی جدید و جامع‌الطرفی که بدان Polysystemic می‌گویند، برای ارزیابی ترجمه ادبی از دیدگاه علمی و ادبی به دست می‌دهد تا ناقد ترجمه، گزینه‌های مترجم اعم از تنگناها و آزادیها را بشناسد و از اظهار نظرهای خام، غیرمستدل و غیرمنطقی پرهیز کند.

REFERENCES:

- Bassnett McGuire, Susan, 1991. *Translation Studies*. London: Routledge.
- Garces, Carmen Valero, 1994. "A methodological proposal for the assessment of translated literary works" in *Babel* 40: 277-120
- Newmark, P. 1981. *Approaches to Translation*. England: Prentice Hall International (UK). 1988. *A Textbook of Translation*, London: Prentice Hall International.

منابع فارسی

- تجلی، هفاز، ۱۳۶۸، "ارزش کاربردی اصول و مبانی ترجمه" ترجمه و اقتباس از ویلن کومیساروف چاپ شده در مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز شماره دوم ۱۱۳-۱۰۱.
- مختاری اردکانی، محمدعلی، ۱۳۷۴. "ترجمه استعاره" چاپ شده در مجموعه مقاله‌های دومین کنفرانس بررسی مسائل ترجمه ۱۴-۱۲ مهر ۱۳۷۳. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز ۱۳۷۳.
- مختاری اردکانی، محمدعلی. ۱۳۷۰. "ترجمه اسم خاص" چاپ شده در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان دوره اول شماره ۲-۳، ۱۲۷-۱۰۸.